

تأثیر عدالت اجتماعی بر نظام تربیتی

طیبه ابراهیمی ، زهره مرادی

تاریخ پذیرش : ۹۷/۰۶/۱۰

تاریخ دریافت : ۹۷/۰۴/۲۳

چکیده

تحقق عدالت اجتماعی همواره یکی از نیازهای اساسی انسان بوده که ریشه در فطرت آدمی دارد. معمولاً قدرتمندان برای کسب اعتبار در جامعه از این موضوع به عنوان یکی از آرمان‌های خود نام می‌برند تا اعتماد و محبت مردم را بدست آورند. عدالت یکی از فضیلت‌های اخلاقی انسان است که نزد خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد. تحقق عدالت از مهم‌ترین اهداف دین اسلام است و گستره عدالت تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را در برمی‌گیرد. از آنجا که نظام تربیتی و نظام فکری اسلام، نظامی الهی و توحیدی و پویا است و طبق این عقیده انسان به سوی خدا در حرکت است. این نظام توحیدی با پویایی همه جانبه خود حرکت انسان را به سوی کمال تضمین می‌کند. خداوند برای اهمیت بخشی به عدالت و تأثیرگذاری در زندگی مسلمانان، به اجرای عدالت در ابعاد گوناگون و در همه حوزه‌های زندگی فرمان داده است. در این نوشتار به تأثیر عدالت اجتماعی بر نظام تربیتی پاسخ داده می‌شود و شیوه تحقیق در این نوشتار به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای می‌باشد و مطالب از متون علمی استخراج و به توضیح و تشریح آن پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که اگر در جامعه اسلامی بتوان با بهره‌گیری از الگوها و اسوه‌های عدالت و اخلاق، عدالت را متجلی ساخت، می‌توان امیدوار بود که در سایه تحقق عدالت در جامعه، آثار و برکات آن قابل مشاهده باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کلید واژگان: عدالت اجتماعی، نظام تربیتی، عدالت، تربیت.

ebrahimi_78@yahoo.com

^۱دکترای تخصصی حقوق بین الملل ، مدرس دانشگاه فرهنگیان ، پردیس نسیمیه ، پردیس شهید با هنر.

z.moradi440@gmail.com

^۱کارشناس ارشد الهیات ، دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید با هنر.

۱. مقدمه

در اسلام عدالت رابطه تنگاتنگی با نظام تربیتی دینی در ابعاد مختلف از جمله معنویات، افکار، رفتار عمومی، تربیت و اخلاق فردی و اجتماعی و نوع نگرش انسان‌ها دارد. شخص مسلمانی که در جامعه‌ای با نظام تربیتی مبتنی بر تعالیم اسلام زندگی می‌کند، هرگاه به عدالت معتقد و پایبند باشد آثار اخلاقی و تربیتی آن در زمینه زندگی فردی و اجتماعی او بروز خواهد کرد. توجه به اهمیت و جایگاه عدالت اجتماعی در جوامع، این ضرورت را نمایان می‌سازد که عدالت اجتماعی باید به عنوان یک ارزش بنیادین، از نسلی به نسل دیگر منتقل شود و از غفلت یا فراموشی در امان بماند و برای مصون ماندن از انحراف نیاز به آشنایی با نظام تربیتی کامل و جامعی همچون دین مبین اسلام می‌باشد، زیرا تعالیم اسلام به تمام ابعاد زندگی انسان توجه نموده و راهکارهای لازم برای بهره‌مندی از زندگی سالم را برای انسان بر اساس آیات قرآنی و سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) و معصومین (ع) ارائه نموده‌است. قرآن کریم به همه ابعاد تربیتی انسان، هم فردی و هم اجتماعی توجه دارد. نظام تربیتی اسلام توجه ویژه‌ای به رشد اخلاق و فضائل اخلاقی و تربیت صحیح انسان دارد. همچنین در این نظام انسان باید به گونه‌ای تربیت شود که به اجرا و تحقق عدالت اجتماعی پایبند باشد. با الگوگیری از مفاهیم تربیتی قرآن و اجرای راهکارهای درست تربیتی آن می‌توان به اهداف موردنظر و تعیین شده در نظام تربیتی دست‌یافت.

۱.۱. بیان مسئله

عدالت اجتماعی در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. در قرآن کریم هدف رسالت پیامبران، اجرای قسط و عدل معرفی شده است. خداوند فرموده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/ ۲۵) «به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند...» از سوی دیگر دین اسلام یک دین اخلاقی است و به تربیت انسان با توجه به ارزش‌های انسانی و الهی توجه ویژه‌ای دارد. پیامبر (ص) فرمود: «إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.» «من آمده‌ام تا کرامت‌های اخلاقی را به کمال برسانم»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳.ه.ق، ج ۶۸: ۳۸۲).

در اسلام عدالت رابطه تنگاتنگی با نظام تربیتی دینی دارد، به‌گونه‌ای که اگر شخص مسلمانی که در این نظام تربیتی زندگی می‌کند، به عدالت اعتقاد داشته باشد، باید آثار اخلاقی و تربیتی آن در زمینه زندگی فردی و اجتماعی او بروز کند. نظام تربیتی اسلام توجه ویژه‌ای به رشد اخلاق و فضائل اخلاقی و تربیت صحیح انسان دارد. همچنین در نظام تربیتی اسلام، انسان باید به گونه‌ای تربیت شود که به اجرا و تحقق عدالت اجتماعی پایبند باشد.

۲. بحث

۲.۱. تحقق عدالت اجتماعی نیاز انسان

عدالت فضیلتی ارزشی و اخلاقی برای انسان است. اسلام به عدالت فردی و تسلط بر قوای نفس تأکید دارد. عدالت فردی به ایمان و تقوای انسان برمی‌گردد و ضمانت اجرایی برای عدالت اجتماعی است. افلاطون عدالت فردی را به معنای تعادل درونی می‌داند و می‌گوید فرد بر نفس خویش حکومت می‌کند و با خود دوست و سازگار می‌گردد و میان سه جزء روح خود هماهنگی تولید می‌کند و در باطن خود وحدت و اعتدال برقرار می‌نماید و در همه احوال تنها چنان عملی را عادلانه و زیبا می‌شمارد که آن نظم درونی را استوارتر سازد؛ (افلاطون، ۱۳۵۳: ۲۲۱).

در حوزه اجتماعی نیز، رعایت حقوق افراد جامعه تنها با عدالت ممکن است. یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان تحقق عدالت اجتماعی است. این مسئله در نظام تربیتی جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اگر افراد و متریبان معنای حقیقی عدالت را بیاموزند و الگوهای عملی در خانواده و جامعه داشته باشند، سبب می‌شود که بی‌عدالتی در اجتماع رشد نکند و همه از تبعات آن مصون بمانند. قرآن کریم در اهمیت پرداختن به فضیلت‌های اخلاقی، شخصیت پیامبر اسلام (ص) را نمونه کمال فضائل اخلاقی معرفی می‌کند و مسلمانان را به پیروی از ایشان فرا می‌خواند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا.» (احزاب/۲۱) «قطعا برای شما در (اقتدا به) رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.» از جمله این فضائل عدالت می‌باشد که در زندگی اجتماعی شرایطی را فراهم می‌کند که موجب استحکام جامعه خواهد شد.

۲.۲. نقش مردم و مسئولان در تحقق عدالت اجتماعی

برای تحقق عدالت اجتماعی در جامعه، مردم و مسئولان وظایفی دارند که باید آن را به خوبی انجام دهند تا در مسیر اجرای عدالت وقفه‌ای ایجاد نگردد. انسان هم به دلیل اجتماعی بودن و هم به منظور رفع نیازهای گوناگون به زندگی اجتماعی تمایل دارد.

۲.۲.۱. حکومت

حکومت یکی از ارکان برقراری عدالت اجتماعی است. حکومت طبق فرمایشات امام علی (ع) در اصل باید به مفهوم مدیریت، محبت، مشارکت، هدایت و خدمت باشد؛ (دلشادتهرانی، ۱۳۷۹: ۴۲-۴۱). امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَ يَبْلُغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَ يُجْمَعُ بِهِ الْفَيْءُ وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السَّبِيلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يَسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ» «در حالی که مردم به زمامداری نیک یا بد، نیازمندند تا مؤمنان در سایه حکومت، به کار خود مشغول و کافران هم بهرمنند شوند و مردم در استقرار حکومت، زندگی کنند، به وسیله حکومت بیت المال جمع آوری می‌گردد و به کمک آن با دشمنان

می‌توان مبارزه کرد. جاده‌ها امن و حقّ ضعیفان از نیرومندان گرفته می‌شود، نیکوکاران در رفاه و از دست بدکاران، در امان می‌باشند»؛ (شریف رضی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۴۲).

۲.۲.۲. حاکم

یکی دیگر از ارکان برپایی عدالت اجتماعی، حاکم است که قوای مجریه و مقننه و قضاییه و همه کارگزارانی که در این سه قوا خدمت می‌کنند، تحت فرمان و نظارت او می‌باشند. امام علی (ع) می‌فرماید: «وَأَنَّ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ.» «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن تو است.»؛ (شریف رضی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۲۰). کارگزاران در حکومت اسلامی باید از میان افراد با ایمان و توانمند و آگاه به حیطة مسئولیت خود انتخاب شوند و وظیفه دارند با تمام توان و با درستکاری مسئولیت های خود را انجام دهند.

۲.۲.۳. قانون

جامعه بشری برای ادامه حیات خود به قوانینی که از نظر اجتماع معتبر شمرده شود، نیاز دارد تا آن قوانین، ناظر بر احوال اجتماع و اعمال افراد باشد تا تمام طبقات هر یک بر حسب آنچه با موقعیت اجتماعیش سازگار است، راه خود را بسوی کمال طی کند و در این راه طبقات مختلف با تبادل اعمال و آثار گوناگون خود و با برقرار کردن عدالت اجتماعی، کمک کار یکدیگر در پیشرفت شوند. از سوی دیگر، وقتی این تعاون و عدالت اجتماعی برقرار میشود، که قوانین آن بر طبق مصالح و منافع مادی و معنوی وضع شود و در وضع قوانین، به کمالات معنوی از قبیل فضائل اخلاقی هم توجه شود؛ (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۷۹).

۲.۲.۴. مردم

درخصوص نقش مردم در اجرای عدالت در تفسیر اطیب البیان چنین آمده است: خداوند انبیا را فرستاد تا مردم را به عدل عادت دهند. وقتی که مردم با عدالت خو گرفتند، اهداف ارسال رسل محقق می‌شود؛ به عبارت دیگر، غرض از ارسال رسل و انزال کتب این است که ناس قیام به قسط و عدل کنند، نه افراط و غلو و نه تفریط و کوتاهی کنند نه چیزی در دین زیاد کنند و بدعت بگذارند و نه چیزی از دین را کم کنند و منکر شوند. نه حق کسی را از بین ببرند و نه حق خود را تزییع کنند. نه اسراف کنند و نه تبذیر؛ (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۲: ۴۴۱).

۲.۳. نظام تربیتی اسلام

هر نظام تربیتی باید جایگاه انسان و نوع نگرش ارزشی خود به آن را به طور واضح و روشن بیان کند. تعلیم و تربیت اسلامی قوانین ارزشمندی درباره جایگاه و ارزش انسان و نیز چگونه زیستن انسان را دربر دارد. خداوند قرآن کریم را به منظور ارائه برنامه برای هدایت انسان ها نازل فرمود: «...أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ...» (بقره/۱۸۵) «...که در آن (ماه رمضان) قرآن فرو فرستاده شده است (کتابی) که مردم را راهبر است...».

همچنین خداوند رسالت پیامبر (ص) را تلاوت قرآن کریم و تعلیم کتاب و تزکیه انسان‌ها بیان فرموده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ

قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ.» (آل عمران/۱۶۴) «به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد (که) پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

دین مبین اسلام در حیطه نظام تربیتی، دربر دارنده آموزه هایی است که عمل به آنها موجب کمال انسان و رشد فضائل اخلاقی فردی خواهد شد؛ که در نهایت موجب می شود عدالت در اجتماع در همه زمینه ها استقرار یابد. عدالت اجتماعی از نمونه های بارز فضیلت های اخلاقی اجتماع می باشد.

نظام تربیتی اسلام تربیتی الهی است که در آن تمام جنبه های شخصیت آدمی مورد توجه است و با طبیعت آدمی و نیازهای او و رشد و تکامل او سازگار است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی معروف می فرماید: «أَدَّبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي.» پروردگار من مرا تربیت نمود و چه نیکو تربیت کرد؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۱۰). تربیت دینی انسان را با مبدا هستی ارتباط داده و فرد به سعادت می رساند.

تربیت الهی هم بعد اجتماعی حیات انسان و هم جنبه فردی شخصیت را مورد توجه قرار می دهد و به نیازهای معنوی، اجتماعی و عقلانی انسان توجه دارد. هم احساسات و عواطف را درگیر می کند و هم انسان را به کنجکاو و حقیقت جویی دعوت می کند. تربیت الهی راه را برای رشد و تکامل دائمی و نامحدود انسان هموار می سازد و از این جهت انسانی را که فطرتاً کمال جو و ترقی طلب است، راضی می کند؛ (شریعتمداری، ۱۳۹۴: ۳۷).

همچنین نظام تربیتی اسلام نظامی توحیدی و پویاست و طبق این عقیده انسان به سوی خدا در حرکت است. این نظام توحیدی با پویایی همه جانبه خود حرکت انسان را به سوی کمال تضمین می کند؛ (همان: ۷۰-۶۶). بُعد هدایتی نظام تربیتی اسلام به تربیت و هدایت انسان می پردازد. هدایت انسان از جنبه های گوناگون قابل بررسی است. قرآن کریم خود را کتاب هدایتگر عموم مردم معرفی می کند: «هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...» (بقره/۱۸۵) «(کتابی) که مردم را راهبر و (متضمن) دلایل آشکار هدایت و (میزان) تشخیص حق از باطل است.» خداوند علاوه بر هدایت تکوینی که در فطرت انسان قرار داده، هدایتی را نیز از طریق پیامبران الهی برای انسان قرار داده است اما در هدایت تشریحی نیز انسان ها متفاوت عمل می کنند و بر این اساس هدایت، درجاتی دارد.

«وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.» (شوری/۵۲) «و این گونه روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان (کدام است) ولی آن را نوری گرداندیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی.» در این آیه خداوند به نقش هدایتی خود اشاره می کند و می فرماید ای پیامبر (ص) تو را هدایت کردیم و تو نیز انسان ها را به راه هدایت که راهی استوار است فراخوان. در تفسیر کاشف ذیل آیه آمده است: این بندگان، همان کسانی هستند که با اخلاص، در جستجوی

هدایت برآمدند و حق را به خاطر حق طلبیدند. پیامبر (ص) به اسلام، دین خدا و راه استوار او فرامی‌خواند و کسی که این راه را برود، راه روشن خدا را در پیش گرفته و از تمامی پایانه‌های بد، در امان مانده است؛ (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶: ۸۶۶). در قرآن کریم بارها به نقش انبیاء در هدایت انسان‌ها اشاره شده است: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ...» (انعام/۹۰) «اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است. پس به هدایت آنان اقتدا کن.»

۲،۳،۱. ابعاد تربیت

انبیای الهی دو هدف عمده داشتند برقراری عدالت و هدایت که موجب سعادت دنیوی و اخروی می‌گردد. هدایت انسان رویکردهای گوناگونی دارد که به تربیت انسان در حیطه‌های عقلانی، عاطفی، جسمانی و اجتماعی می‌پردازد:

۲،۳،۱،۱. تربیت عقلانی

تأثیر بعد عقلانی بر تربیت تا جایی است که در اعتقادات و اخلاق و نیز در عبادات و احکام، مورد توجه قرار می‌گیرد. در تعریف عقل چنین آمده است: «ملکة و حالة فی النفس تدعو إلی اختیار الخیر و النفع و اجتناب الشرور و المضار.» «عقل ملکه و حالتی نفسانی است که انسان را به سوی انتخاب خیر و دفع و دوری از بدی‌ها و مفسدات دعوت می‌کند؛» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۹).

عقل چنان شأن و منزلتی دارد که می‌تواند مورد خطاب خداوند قرار گیرد. به وسیله عقل خداوند با انسان تکلم می‌کند. امام علی (ع) در این رابطه فرمود: «وَ كَلَّمَهُمْ فِي ذَاتِ عُقُولِهِمْ.» «(خداوند) در وادی عقل و اندیشه با آنان سخن می‌گفته است.»؛ (شریف رضی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۱۸). آیات زیادی در قرآن کریم انسان را به تفکر و تدبّر فرامی‌خواند: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.» (فصلت/۵۳) «به زودی نشانه‌های خود را در افقها (ی گوناگون) و در دلهایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است.»

خدا برای بندگانش دلیل می‌آورد تا آنان را درباره وجود خود، درستی دینش و راستگویی کتاب‌ها و پیامبرانش قانع سازد. برای آنان دلیل عینی و قابل رؤیت، از خودشان و نیز از جهان آشکار ارائه می‌دهد و دلایل موجود در خود انسان‌ها و جهان را بر ملا می‌کند؛ (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۶: ۸۱۸). علامه شعرانی از اساتید و دانشمندان بزرگ در علوم اسلامی دیدگاه خود را ذیل آیه اینطور بیان فرموده: خداوند را از راه مطالعه انسان در وجود خویش و سایر آفریدگان و حکمت‌ها که در آن به کار رفته می‌توان شناخت تا بداند اینها صادر از طبیعت بی‌شعور نیست و هرچه علوم پیش‌تر می‌رود و در اسرار کائنات بیشتر دقت می‌کنند، دلایل قدرت ظاهرتر می‌شود. خداشناسان و اهل معرفت می‌گویند: راه اثبات او یا از طریق پی‌بردن از معلول به علت است که چون تتبع موجودات کنی، آثار حکمت او را در همه چیز بینی و یا از طریق نظر در اصل وجود که او خود واجب است و عدم در حق او راه ندارد و احتمال سلب وجود از وجود صحیح نیست؛ (شعرانی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۱۱۴۹).

۲،۳،۱،۲. تربیت عاطفی

یکی از بهترین روش های توفیق در تحقق اهداف تربیتی، مهرورزی است. محبت موجب می شود تا افراد به اطاعت واداشته شوند. تربیت عاطفی باعث برانگیختن متری برای انجام عمل ویا ترک آن می شود. امام علی (ع) می فرماید: «مَنْ شَرَفَتْ نَفْسُهُ، كَثُرَتْ عَوَاطِفُهُ.» «کسی که نفس او شریف باشد عواطف و مهر و شفقت او بسیار شود»؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۲۴۰).

خداوند متعال در قرآن کریم این حقیقت را روشن می فرماید که بدون دخالت عواطف و بدون مهربانی نمی توان دیگران را نصیحت، هدایت ویا تربیت نمود؛ و در این رابطه به رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.» (آل عمران/۱۵۹) «پس به (برکت) رحمت الهی با آنان نرمخو (و پرمهر) شدی و اگر تندخو و سختدل بودی قطعا از پیرامون تو پراکنده می شدند پس از آنان درگذر و برایشان آمرزش بخواه و در کار (ها) با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.»

خداوند به رسول خدا (ص) دستور می دهد از افرادی که مورد نظرند عفو کند و بر نافرمانی آنان مؤاخذه و عتاب و سرزنش و امثال آن نکند و اینکه بر ایشان در آثاری که گناه آنان برای شخص آن جناب دارد از خدا طلب مغفرت کند، با اینکه آمرزش کار خود خدای تعالی است؛ (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۷۸). سیره رسول اکرم (ص) همواره اینگونه بود و جفای مردم را با نرم خویی و عفو و مغفرت مقابله می کرد و در امور با آنان مشورت می نمود و قبل از وقوع جنگ با آنان مشورت می کرد و این سخن خداوند اشاره ای است به این که رسول خدا (ص) بدانچه مأمور شده عمل می کند و خدای سبحان از عمل او راضی است؛ (همان، ج ۴: ۸۴).

خداوند در جایی دیگر از قرآن کریم می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ.» (انبیاء/۱۰۷) «و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.» در منهج الصادقین ذیل آیه چنین آمده است: و نفرستادیم تو را ای محمد مگر در حالتی که بخشایش محض برای عالمیان، زیرا آنچه به آن مبعوث شده سبب هدایت و سعادت ایشان و موجب صلاح معاش و معاد تمام عالمیان است؛ (کاشانی، ۱۳۶۳، ج ۶: ۱۱۰). خداوند رحمت خود را نه تنها شامل پیامبر گرامی اسلام گرداند، بلکه رحمت خویش را در جهان هستی گسترده ساخته و برای انسان نیز اسبابی مهیا ساخته تا هرچه بیشتر از رحمت الهی برخوردار شود. در قرآن کریم برای جلب رحمت الهی به اسبابی اشاره می کند که لطف و رحمت خداوند را در پی دارد. با نماز خواندن، پرداخت زکات، اطاعت از پیامبر(ص) (نور/۵۶) فرمانبرداری از خدا و رسول (ص) (بقره/۱۳۲) همچنین به وسیله استغفار و طلب بخشش از درگاه پروردگار(نمل/۴۶) و ... انسان هم خود مشتاق پروردگار خویش می گردد و هم رحمت الهی را بیشتر جذب می کند زیرا عواطف می تواند دلها را جذب و افراد را مستعد هر نوع فداکاری سازد. در همین رابطه که انسان به هر چه محبت پیدا کند به آن متمایل می شود امام علی

(ع) فرمود: «مَنْ أَحَبَّ شَيْئًا لَهْجَ بَدْرِهِ» «هر که چیزی را دوست بدارد، به یاد آن حریص می‌شود.»؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۶۵).

۲،۳،۱،۳ تربیت جسم و بدن

تأمل در نظام تربیتی و روان‌شناختی اسلام، نشان می‌دهد که هدف نهائی این مکتب تربیت انسانهای کامل، سالم، مفید و عاری از هرگونه نابهنجاری‌های روانی و رفتاری است. آیه شریفه ذیل به این حقیقت مهم به روشنی اشاره می‌کند: «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا.» (مائده/۳۲) «هر که انسانی را زنده کند همانند آنست که همه مردم (جامعه) را زنده کرده است.» و چون سلامت جسمی و بهداشت روانی یک جریان طولانی و مستمر می‌باشد لذا پیگیری نظام تربیتی اسلام نسبت به سلامت همه‌جانبه انسان مسلمان از همان آغاز شکل‌گیری نطفه‌اش شروع می‌شود و به رعایت اصول تربیتی و بهداشت روانی در کنار سلامتی جسم، تأکید می‌نماید؛ (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۱۵۱). تربیت جسم و حفظ سلامتی در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «لَا فِي الْحَيَاةِ إِلَّا مَعَ الصَّحَّةِ.» «هیچ چیزی در زندگی به اندازه سلامتی ارزشمند نیست.»؛ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۴: ۳۷۰). خداوند ابزار مهمی در جسم قرار داده تا به واسطه آنها انسان به شناخت خود و خدای خود و پیرامون خویش پردازد. در اسلام هرچه که برای ادامه زندگی طبیعی لازم باشد، تأمین آن ضروری و واجب است. در مطالعه آفرینش و در شناخت امور مختلف، گوش و چشم مانند عقل نقش اساسی دارند. فعالیت بدنی حواس مختلف مانند فعالیت‌های عقلانی در جریان شناخت و مطالعه جهان صورت می‌گیرد؛ (شریعتمداری، ۱۳۹۴: ۶۶).

خداوند به انسان ابزاری همچون چشم و گوش و قلب عطا فرمود تا در اثر استفاده از آنها به شناخت حسی و عقلی برسد و سپاسگزار باشد. خداوند می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.» (نحل/۷۸) «و خدا شما را از شکم مادرانتان در حالی که چیزی نمی‌دانستید بیرون آورد و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد باشد که سپاسگزاری کنید.»

علامه طباطبایی ذیل آیه می‌فرماید: این آیه اشاره دارد به مبادی علم حصولی که خداوند به انسان انعام کرده چون مبدأ تمامی تصورات، حواس ظاهری است، که عمده آنها حس باصره و حس سامعه است و آن حواس دیگر یعنی لامسه و ذائقه و شامه به اهمیت آن دو نمی‌رسند و مبدأ تصدیق و فکر، قلب است؛ (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۱۲: ۴۵۲). علامه طبرسی نیز ذیل آیه فرموده است: و بر شما تفضل کرد و به شما حواس کامل و قوه ادراک بخشید تا بوسیله آنها مدرکات عالم وجود را بشناسید و بشما دلی بخشید که کانون معارف است و بوسیله آن به تفکر می‌پردازید؛ (طبرسی، بی تا، ج ۲۳: ۱۴).

۲،۳،۱،۴. تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی، پرورش جنبه هایی از شخصیت آدمی است که مربوط به زندگی در میان جامعه است تا به بهترین شکل، حقوق و وظایف خود را نسبت به هموعان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق، برای عمل به آن وظایف اقدام کند؛ (مرزوقی و اناری نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۷). در تربیت اجتماعی موفق، فرد می‌تواند در جامعه وظایف اجتماعی خود را انجام دهد و با دیگران از جمله با والدین خود روابط اجتماعی سالمی برقرار کند. خداوند در قرآن کریم سپاس از پدر و مادر را در ردیف شکرگزاری نسبت به خداوند می‌داند و می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ... أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ.» (لقمان/۱۴) و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم... (آری به او سفارش کردیم) که شکرگزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت (همه) به سوی من است.»

۲،۳،۲. مبانی تربیت

مبانی تعلیم و تربیت از موقعیت انسان و امکانات و محدودیت های او و نیز از ضرورت هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آنهاست، بحث می‌کند؛ (شکوهی، ۱۳۸۷: ۵۶). مبانی تربیت را از سه منظر می‌توان بررسی نمود:

۲،۳،۲،۱. مبانی علمی تربیت

مبانی علمی تربیت پیرامون نیازهای جسمی و روانی انسان بحث می‌کنند و با توجه به این نیازها تعریف می‌شوند. برخی از نیازهای انسان از اهمیت بیشتری برخوردارند. در حدیثی از امام صادق (ع) به زیبایی به آن اشاره شده است ایشان فرمودند: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرَأً إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» «سه چیز است که همه مردم به آنها نیاز دارند: امنیت (آرامش)، عدالت و آسایش (رفاه)»؛ (حرّانی، ۱۴۰۴: ۳۲۰).

نیاز به امنیت و آرامش روانی نیز یکی از اساسی ترین نیازهای انسان به شمار می‌رود. در بحث آرامش، هم آرامش فردی و هم آرامش و امنیت اجتماعی دارای اهمیت و مورد توجه خداوند هستند در قرآن کریم درباره آرامش فردی می‌فرماید: «يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنِّةُ» (فجر/۲۷) «ای نفس مطمئنه.»

نفس مطمئنه نفسی که در امان است و بیم و اندوهی او را پریشان نمی‌کند، یا مراد نفسی است که به حق آرامش یافته و روح دانش و اطمینان یقین آن (نفس) را آرامش بخشیده و تردیدی عارض آن نمی‌کند؛ (طبرسی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۶۳۷). همچنین در بیان سطح اجتماعی آرامش و امنیت فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ.» (بقره/۲۰۸) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی به اطاعت (خدا) درآیید و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است.» کلمات سلم و اسلام و تسلیم هر سه به یک معنا است و کلمه (کافه- همگی) مانند کلمه جمیعا تاکید را افاده می‌کند و مؤمنین مأمور شده‌اند همگی داخل در سلم شوند پس در نتیجه امر در آیه مربوط به همگی و به یک یک افراد جامعه است، هم بر یک یک افراد واجب است و هم بر جمیع که در دین خدا چون و چرا نکنند و تسلیم امر خدا و رسول او گردند (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۵۱).

۲،۳،۲،۲ مبانی فلسفی تربیت

مقصود از مبانی فلسفی تربیت تجزیه و تحلیل مسائلی است که اثبات آن ها به کمک علم و تجربه امکان پذیر نیست. این روش به ارزیابی عقاید انسان درباره کل جهان می پردازد. با روشن شدن دیدگاه فلسفی انسان نسبت به مفاهیمی چون جهان، طبیعت، انسان، شناخت، ارزش و امثال این ها می توان یک مکتب تربیتی را پایه گذاری کرد و اهداف خاصی را برای تربیت جستجو نمود. مسائلی که یک متخصص تعلیم و تربیت با توجه به آنها به تعیین اهداف می پردازد، عبارتند از: معرفت شناسی، هستی شناسی، انسان شناسی و ارزش شناسی.

۲،۳،۲،۲،۱ معرفت شناسی یا شناخت شناسی

شناخت در مبانی فلسفی تعلیم و تربیت مراتبی دارد. نوع نگاه انسان به انواع ادراکات و ارزشی که برای هر یک قائل است، آثار فراوانی در تربیت دارد. در شناخت عالم وجود، خداشناسی مهم ترین بحث است. هدف اصلی این معرفت شناخت افعال و صفات و مظاهر تدبیر خداوند در آفرینش و شکر اوست. خداوند در قرآن کریم فرمود: «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ». (علق/۱) «بخوان به نام پروردگارت که آفرید.» بکار بردن واژه "رب" در اینجا دلالت تربیتی قاطعی دارد؛ زیرا هدف خداوند، تربیت و تعالی نوع بشر است. خداوند منبع شناخت و دانش است: «قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ...» (ملک/۲۶) «بگو علم (آن) فقط پیش خداست...»؛ (عرسان کیلانی، ۱۳۹۰: ۲۶۹).

۲،۳،۲،۲،۲ هستی شناسی

موضوع هستی شناسی در نگرش دینی این است که جهان مرکب از ماده و روح و نشأت گرفته از خداوند می باشد. برخی از مبانی هستی شناسی در قرآن کریم عبارتند از:

توحید: طبق این دیدگاه خداوند مالک و مدبر جهان هستی، رب همه موجودات و تربیت کننده ی اصلی و اصیل و واقعی است. «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ.» (انبیاء/۲۲) «اگر در آنها (زمین و آسمان) جز خدا خدایانی (دیگر) وجود داشت قطعاً (زمین و آسمان) تباه می شد پس منزه است خدا پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند.» اهمیت خداشناسی به دلیل آثار آن در حیات فردی و اجتماعی انسان ها مورد توجه است. زیربنای همه معارف و اخلاق و اعمال شایسته توحید است. بر مبنای توحید، مهم ترین روش تربیت اخلاقی قرآن، اجرای عبودیت است. یعنی انجام دستورات الهی و آنچه خداوند از انسان خواسته است و ترک محرّمات و آنچه انسان را از آن نهی کرده است؛ (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۶۲-۵۸).

همه پیامبران الهی مردم را به توحید دعوت می کردند و از شرک و کفر باز می داشتند. حضرت نوح (ع) اینگونه قوم خود را به توحید و یکتاپرستی فراخواند: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ.» (مؤمنون /۲۳) «و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم پس (به آنان) گفت ای قوم من خدا را بپرستید شما را جز او خدایی نیست مگر پروا ندارید.» سایر پیامبران الهی که برخی آیات در این مورد عبارتند از: (هود/۵۰) (اعراف/۸۵) (صافات/۱۲۶-۱۲۴) (لقمان/۱۳) در آیات فراوانی از زبان افرادی همچون اصحاب کهف، حبیب نجار،

حضرت ابراهیم و حضرت عیسی (ع) و نیز حضرت محمد (ص) در باره توحید وجود دارد. توحید محور اصلی ارزش هاست و با همه آنها ارتباط دارد.

مراتب جهان هستی: جهان هستی مراتبی دارد و فقط منحصر به ماده نیست و بعد فراطبیعی نیز دارد؛ بنابراین انسان هم در اهدافش فقط به اهداف مادی بسنده نمی‌کند و اهداف ارزشمند معنوی را نیز مدنظر دارد. علامه طباطبایی می‌فرماید: اینکه انسان و یا غیر انسان در امتداد مسیر بسوی خدا و رجوع به سوی او در عوالم مختلف دارای نظام‌ها و احکام مختلف موجود شود، محال نبوده و بلکه امری است که قرآن کریم آن را اثبات کرده است و فرموده که انسان به عین وجود و شخصیتی که در دنیا دارد در آن عالم موجود می‌شود در حالی که نظام و احکام آن عالم و آن زندگی غیر از نظام و احکام زندگی دنیا است و نیز زندگی دیگری در برزخ اثبات کرده که انسان به عین وجود و خصوصیاتش در آن عالم موجود شده و زندگی می‌کند، در حالی که نظام و احکام آن عالم نیز غیر نظام و احکام عالم دنیا است؛ (همان، ج ۸: ۴۱۶).

هدفمند بودن جهان هستی (معاد): از دید اسلام آفرینش جهان هستی غایتمند است و خلقت آن بیهوده نیست. خداوند می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا...» (ص/۲۷) «و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم». بنابراین انسان در هیچ یک از افعال خویش، جز به ذات خداوند به دیگری نباید اتکا کند و در امور خویش به نیرویی که خداوند درونش نهاده تکیه نماید. همچنین با اعتقاد و باور به معاد، سبک زندگی انسان در دنیا متحول می‌شود. انسانی که به معاد اعتقاد دارد در کسب منافع اجتماعی و فردی اسیر خواسته‌های مادی نمی‌شود و به کمال واقعی و سعادت اخروی می‌اندیشد.

وجود اصل علیت در جهان: طبق آیات قرآن کریم، اصل علیت و رابطه علت و معلول در سراسر عالم هستی وجود دارد. قرآن حکمفرما بودن قانون علت و معلول را در سراسر عالم هستی قبول داشته و تصدیق دارد که برای هر چیزی و نیز برای عوارض آن چیز و برای هر حادثه‌ای از حوادث علت و یا عللی است که وجود آن را اقتضا می‌کند؛ (همان، ج ۷: ۴۰۶-۴۰۷).

اصل هدایت عامه: قوانین و دستورات نظام اجتماعی قرآن براساس قوانین حاکم بر عالم تکوین تنظیم شده است. علامه طباطبایی می‌فرماید: موجودات همه به هدایت ربوبی به سوی کمال وجودیشان در حرکتند، اما برای انسان هدایت دیگری نیز وجود دارد که آن هدایت تشریحی است. افعال اختیاری انسان در اثر تکرار، اوصاف و حالات درونی در او پدید می‌آورد و در زندگی دنیائیش دارای ملکات و احوالی می‌شود که نتیجه زندگی اوست و با این ملکات سرنوشت زندگی ابدیش معلوم می‌شود؛ (همان، ج ۱۹: ۶۵۷). طبق آیات قرآن کریم خداوند عالم تکوین و جهان هستی را فقط به خاطر انسان خلق نموده است تا انسان بتواند به کمال حقیقی خود نائل آید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...» (بقره/۲۹) «اوست آن کسی که آنچه در زمین است همه را برای شما آفرید.»

شناخت انسان مهم ترین امر در تربیت است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيكُمْ أَنْفُسَكُمْ...» (مائده/۱۰۵) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید...» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می نویسد: از عبارت "علیکم انفسکم" که مؤمنان را به پرداختن به نفس خود فرمان داده است، به خوبی دریافت می شود که نفس مؤمن همان راهی است که به سلوک آن و ملتزم بودن بدان فرمان داده شده است؛ زیرا وقتی گفته می شود زنده‌ار را گم مکن، معنایش التزام به خود راه است نه جدا نشدن از رهروان؛ (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۶: ۲۴۲). علامه طبرسی در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه معنای این عبارت قرآنی را حفظ کردن نفس از گناهان می داند و می فرماید: معناه «احفظوا أنفسکم من ملبسة المعاصی و الإصرار علی الذنوب عن الفراء و غیره و قیل معناه أَلْزَمُوا أَمْرَ أَنْفُسِكُمْ فَإِنَّمَا أَلْزَمَكُمُ اللَّهُ أَمْرَهَا عَنِ الزَّجَاجِ وَ هَذَا مُوَافِقٌ لِمَا رَوَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّ مَعْنَاهُ أَطِيعُوا أَمْرِي وَ احْفَظُوا وَصِيَّتِي»؛ (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳: ۳۹۲). «فراء فقیه برجسته سده دوم هجری و برخی دیگر می گویند: یعنی ای مردم مؤمن خود را از معصیتها و اصرار بر گناه، حفظ کنید. زجاج نیز می گوید: یعنی شما بکار خویشتن ملزم باشید که خداوند شما را ملزم کرده است.» این معنی با آنچه از ابن عباس نقل شده، موافق است که: مقصود این است: امر مرا اطاعت و وصیت مرا حفظ کنید؛ (طبرسی، بی تا، ج ۷: ۲۰۸).

خداوند در قرآن کریم حقایقی را درباره انسان مطرح می کند که مبانی انسان شناختی از منظر قرآن کریم می باشند از جمله: انسان موجودی دوبعدی است که از جسم و روح تشکیل شده است. خداوند می فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.» (حجر/۲۹) «هنگامی که کار آن را به پایان رساندم و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید.» علامه طباطبایی درباره اصل بودن روح می فرماید: روح جوهری است مستقل از ماده که به بدن مادی خود تعلق دارد. این تعلق که روح را با بدن متحد می کند، تعلق تدبیری است یعنی این روح است که بدن را تدبیر و اداره می نماید؛ (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۵۱). خداوند مدبر اعمال نفس یا روح انسان است و شاهد و ناظر بر اعمال آن است و اعمال نفس را در صحیفه های اعمال ضبط می نماید و آنها را به صورت ثواب ها و عقاب های دنیا و آخرت، قرب و بعد، هدایت و ضلالت، نعمت و نعمت و سرانجام، جنت و نار متحول می سازد؛ (همان، ج ۱۱: ۴۹۷). تمام این مطالب نشان دهنده این موضوع است که روح در انسان اصل است و بدن مادی، فرع می باشد.

یکی دیگر از برجسته ترین ویژگی های انسان در قرآن کریم مقام خلیفه الهی اوست. «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره/۳۰) «و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت...» در قرآن کریم به خلافت انسان بر روی زمین اشاره شده است و این نشان دهنده اعطای استعدادی ویژه در وجود آدمی است. انسان باید با پرورش روح خود تلاش کند تا استحقاق این موهبت الهی را بدست بیاورد.

یکی دیگر از ویژگی‌های انسان، اختیار است. خداوند به انسان قدرت اختیار داده بگونه ای که درانتخاب هدف و روش زندگی آزاد است. خداوند می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ...» (کهف/۲۹) «و بگو حق از پروردگارتان (رسیده) است پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند...». این قدرت اختیار به اندازه‌ای است که خداوند تعیین سرنوشت افراد را نیز در گرو قدرت اختیار قرار داده است. خداوند فرموده است که مردم تا زمانی که خود در سرنوشت خویش تغییر ایجاد نکنند، او سرنوشت آنها را تغییر نخواهد داد. «...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...» (رعد/۱۱) «... در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند...» طبق این آیه، خداوند آن اوضاع و احوالی را که در یک قوم وجود دارد، هرگز عوض نمی‌کند مگر آنکه خود آن قوم روح، فکر، اندیشه، اخلاق و اعمال را عوض کنند. هر گونه تغییر بیرونی در اجتماع متکی به تغییر درونی ملت‌ها و اقوام است.

یکی دیگر از ویژگی‌های انسان مسئولیت پذیری است. خداوند انسان را مسئول می‌داند، نسبت به خویش، نسبت به خداوند، نسبت به جهان و نسبت به انسان‌های دیگر. درقرآن کریم درخصوص مسئولیت نسبت به خویش می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا.» (إسراء/۳۶) «و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.» و نیز فرمود: «...وَلْتَسألَنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.» (نحل/۹۳) «...و از آنچه انجام می‌دادید حتما سوال خواهید شد.»

انسان در برابر خداوند نیز مسئول است که حق معرفت و شناخت او را بجا آورد و نسبت به صفات و توانایی او معرفت بدست آورد. درواقع مسئولیت انسان در برابر خداوند متعال، مهمترین مسئولیت او است. خداوندی که امکانات سعادت و کمال را برای او فراهم نموده شایسته پرستش است «مَعْرِفَةُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَعْلَى الْمَعَارِفِ.» «معرفت خدای سبحان بلندمرتبه ترین معرفت هاست»؛ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۸۱). انسان نباید فراموش کند که هدف از خلقت او عبادت و بندگی در برابر خداوند متعال ذکر شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ...» (بقره/۲۱) «ای مردم پروردگارتان را پرستش کنید.»

۲،۳،۲،۲،۴ ارزش شناسی

ارزش عبارت است از قدر و قیمتی که انسان برای اندیشه‌ها و امور و اشیاء پیرامون خود قائل است. دانشی که به مطالعه انواع مختلف ارزش‌ها مانند ارزش‌های مادی، معنوی، مذهبی، علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، هنری و ... می‌پردازد ارزش شناسی نام دارد؛ (نیکزاد، ۱۳۷۵: ۵۹). در قرآن کریم سرچشمه همه ارزش‌های دینی، اجتماعی، تربیتی، اخلاقی، فرهنگی، اعتقادی و ... توحید است، زیرا در انسان موحد ویژگی‌هایی وجود دارد که در بحث ارزش شناسی قرآن کریم جایگاه خاصی دارند، یکی از این ویژگی‌ها از دیدگاه قرآن کریم، تقوا است. خداوند دراین رابطه می‌فرماید: «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ.» (ص/۲۸) « یا

مگر) کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند چون مفسدان در زمین می‌گردانیم یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می‌دهیم.»

در تفسیر اثنی عشری آمده است: آیه شریفه درباره پرهیزکاران است که از خوف خدا از معاصی محرزند و منزلت مؤمنین و متقین را در پیشگاه الهی بیان می‌کند که مقام شامخ عالی را حائز باشند، بنابراین مؤمنین باید حفظ شئون خود را بنمایند. از حضرت صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «فاعرفوا منزلتکم فیما بینکم و بین اهل الباطل، فانه لا ینبغی لاهل الحق ان ینزلوا انفسهم منزله اهل الباطل، لأنّ الله لم یجعل اهل الحق عنده بمنزله اهل الباطل.» «پس بشناسید منزلت خود را میان خود و اهل باطل، بدرستی که سزاوار و شایسته نیست برای اهل حق اینکه نازل کنند منزلت خود را به منزلت اهل باطل، یعنی خود را به ردیف آنها قرار دهند در رفتار و گفتار و اعمال و احوال»؛ (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۱۹۳-۱۹۲).

یکی دیگر از مؤلفه های ارزش، ایمان است. خداوند در قرآن کریم افراد مؤمن و فاسق را برابر ندانسته و بر تفاوت اعمال آنان تأکید می‌کند و می‌فرماید: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ.» (سجده/۱۸) «آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند». علامه طباطبایی در تعریف ایمان می‌گوید: ایمان عبارت است از سکون و آرامش علمی خاصی در نفس، نسبت به هر چیزی که ایمان به آن تعلق گرفته و لازمه این آرامش التزام عملی نسبت به آن چیزی است که به آن ایمان دارد، اگر کسی این التزام را نداشته باشد و بر خلاف ایمانش عمل کند، او را فاسق گویند، چون کلمه فسق به معنای بیرون شدن است، وقتی می‌گویند فسقت التمره که خرما از پوست خود بیرون شده باشد، که برگشت معنایش بیرون شدن از زی بندگی است؛ (طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۱۶: ۳۹۶).

در منهج الصادقین ذیل آیه آمده است: آیا آن کس که گرونده بخدا و رسول است مانند کسی هست که از دایره ایمان بیرون رفته و خارج از فرمان است؟ خیر اینان در شرف رتبه یا در جزا برابر نیستند و این معنی شامل هر مؤمن و کافر می‌شود. علامه شعرانی می‌گوید: آیه دلیل قطعی بر معاد است. زیرا فطرت انسان باور نمی‌کند که مردم پارسا و نیک‌کردار در عاقبت و جزا، مانند چنگیز و بخت النصر باشند و هردو نیست و فانی شوند، پس ادراک حسن و قبح را خداوند در نهاد بشر برای چه قرار داد؟؛ (شعرانی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۰۴۲)

یکی دیگر از مؤلفه های ارزش نیت است. براساس نظام تربیتی قرآن کریم، نیت و انگیزه انسان به اعمال او جهت می‌دهد. نیت حتی اگر بدون انجام عمل باشد، دارای ارزش است، اما عمل بدون نیت بی‌ارزش است. «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ.» اساس اعمال بر نیت استوار است؛ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷: ۲۱۱). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا وَاهُ جَهَنَّمَ وَيَبُئِثُ الْمَصِيرَ.» (آل عمران/۱۶۲) «آیا کسی که خشنودی خدا

را پیروی می‌کند چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است و چه بد بازگشتگاهی است.»

۲،۳،۳. مبانی دینی

یکی دیگر از مبانی تربیت، مبانی دینی تربیت می‌باشد. جوامع مختلف اهداف تربیتی خود را براساس مذهب و اعتقادات خود تعیین می‌کنند. در دین اسلام نوع عملکرد انسان در برابر خود، خداوند و جامعه بستگی به اعتقادات و میزان ایمان و پایبندی به آن دارد و این امر، در به کمال رسیدن انسان نقش اساسی دارد.

مبانی دینی تربیت ارتباط تنگاتنگی با اخلاق و سالم سازی ارتباطات در جامعه براساس الگوهای اسلامی دارد. اخلاق جمع خُلق، به معنای صفات اخلاقی و قوایی است که فقط با بصیرت می‌شود به آن پی برد؛ (راغب اصفهانی، ۱۳۹۴: ۲۵۴). انسان موحد براین باور است که حیات انسان بُعدی ابدی و جاودانه دارد که اساس زندگی او را تشکیل می‌دهد و سعادت او در پرداختن به جنبه روحانی وجودش است. نگرش توحیدی موجب می‌شود که انسان خود را از رذائل اخلاقی دور سازد. خداوند در قرآن کریم خُلق والای پیامبر اسلام (ص) ستود و فرمود: «وَأَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم/۴) «و راستی که تو را خوبی والاست.»

۲،۴. عدالت اجتماعی و اثرات آن بر نظام تربیتی

عدالت اجتماعی سبب می‌شود تا آحاد جامعه بتوانند زیر سایه تعالیم و قوانین ارزشمند یک نظام تربیتی عادلانه، رشد کنند و خود را از انواع رذائل پاک سازند و اخلاق خود را تبدیل به فضائل اخلاقی نمایند. قرآن کریم نشان می‌دهد که رعایت عدالت در تصحیح اخلاق فردی و اجتماعی انسان و تمایل وی به کمال تأثیر مستقیم دارد.

۲،۴،۱. حفظ کرامت انسان

کرامت انسان در سایه عدالت بدست می‌آید. تحقق عدالت در حیطه فردی و اجتماعی برای دستیابی به کرامت انسانی است. همانطور که اجرای عدالت به مبانی دینی و الهی نیاز دارد، تحقق کرامت نیز بر پایه و مبنای محکمی چون عدالت استوار است. در جامعه ای که عدالت محقق نشود، عزت و کرامت و حقوق انسان ها نادیده گرفته می‌شود. پیامبر (ص) با تلاش در راه ایجاد عدالت اجتماعی و برخورد با ظلم و تبعیض، مسیر کرامت انسان ها را هموار نمود. در همین رابطه امام علی (ع) فرمود: «فَسَاقَ النَّاسَ حَتَّىٰ بَوَّأَهُمْ مَحَلَّتَهُمْ وَ بَلَغَهُمْ مَنَجَاتَهُمْ فَاسْتَقَامَتْ فَنَاتُهُمْ وَ اطمَأَنَّتْ صَفَاتُهُمْ» یعنی پیامبر (ص) «مردم جاهلی را تا به جایگاه کرامت انسانی پیش برد و به رستگاری رساند، که سر نیزه‌هایشان کندی نپذیرفت و پیروز شدند و جامعه آنان استحکام گرفت.»؛ (شریف رضی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۳۲). همچنین ایشان در حکمت ۴۴۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» «کسی که از کرامت نفس برخوردار می‌گردد شهوات نفسانی در نظرش خوار و ناچیز می‌آید.» (همان، ج ۳: ۳۹۲). هرگاه در جامعه اسلامی عدالت اجتماعی و فردی گسترش یابد، در اینصورت جایگاه و شأن انسان ها حفظ می‌شود و همه در سطح قابل قبولی از امکانات قرار می‌گیرند

به گونه ای که برای رفع حوائج و نیازهای خود مجبور نیستند تن به ذلت و ضعف بدهند و کرامت خویش را زیر پا بگذارند.

۲،۴،۲. بیدارشدن فطرت خداجوی انسان و توجه به خودسازی

هرگاه عدالت اجتماعی در جامعه نهادینه شود، رذائل اخلاقی جای خود را به ملکات و فضائل اخلاقی داده و گذشت و ایثار و سخاوت و عدالت و آخرت طلبی و... در افراد بروز خواهد کرد. امام علی (ع) در خطبه ۸۷ نهج البلاغه عدالت را از ویژگی های مردم باتقوا شمرده است و می فرماید: « قَدْ أَلْزَمَ نَفْسَهُ الْعَدْلَ فَكَانَ أَوَّلَ عَدْلِهِ نَفْيُ الْهَوَى عَنْ نَفْسِهِ. » «خود را به عدالت واداشته و آغاز عدالت او آن که هوای نفس را از دل بیرون رانده است.»؛ (همان، ج ۱: ۲۱۶). همچنین در جامعه ای که اساس آن بر عدالت باشد، اغنیاء و ثروتمندان توصیه ها و دستورات دین مبنی بر دستگیری از نیازمندان را فراموش نخواهند کرد. امام کاظم (ع) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرِكْ شَيْئًا مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَ قَدْ قَسَمَهُ وَ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ، الْخَاصَّةَ وَ الْعَامَّةَ وَ الْفُقَرَاءَ وَ الْمَسَاكِينَ وَ كُلَّ صَنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ ... لَوْ عَدَلَ فِي النَّاسِ لَاسْتَعْنُوا ...» «خداوند هیچ نوع از انواع مال را به حال خود رها نکرده است، بلکه همه را تقسیم کرده و به هر صاحب حقی، چه اشخاص، چه عموم مردم و فقیران و مسکینان و چه بقیه طبقات مردم، حقشان را داده (و معین کرده) است.»؛ (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲: ۷۲۳) آنگاه فرمود: «اگر در میان مردم عدالت اجرا شود، همه بی نیاز خواهند شد» و فقر و فقیری نخواهد ماند؛ (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۵: ۳۲۵).

۲،۴،۳. رشد عقلانیت

پیامبر اسلام (ص) فرمود: «لَا فُقْرَ أَشَدُّ مِنْ الْجَهْلِ وَ لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ» «هیچ فقری شدیدتر از فقر و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست.»؛ (حرّانی، ۱۴۰۴: ۶). از آنجا که رشد عقلانیت موجب گسترش عدالت اجتماعی و دور شدن از اعمال جاهلانه می گردد. به همین دلیل در اسلام به آن توجه بسیاری شده است. خداوند در سوره بقره می فرماید: «...وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...» (بقره/۲۶۹) «...و به هر کس حکمت داده شود، به یقین خیر فراوان داده شده است...» خداوند در قرآن کریم آیات فراوانی در باره ارزش و شرافت خردمندان دارد و یکی از ویژگی های انبیاء و اولیاء الهی علم و حکمت ذکر شده است. در مقابل علم، جهل قرار دارد که به فرموده قرآن کریم سبب رذائل فراوانی همچون تکبر (فرقان/۶۳) معبودان باطل (اعراف/۱۳۸) نزول عذاب و نابودی (احقاف/۲۳) انحراف و فساد اخلاقی (نمل/۵۵) حسادت (یوسف/۸۹ و ۸۸) سوءظن و گمان های ناروا (آل عموران/۱۵۴) عقاید خرافی (زمر/۳) (انعام/۱۰۰) (نمل/۵۹ تا ۵۷) و... می گردد.

۲،۴،۴. برادری و اخوت

هرگاه در تعاملات گوناگون اجتماعی میان مردم جامعه رفتارهایی مبنی بر تعهد و انسانیت و درستکاری حاکم باشد و به تعبیر قرآن کریم رفتاری برادرانه با یکدیگر داشته باشند این امر نشانه ای از روابط اجتماعی عادلانه است و موجب برکات فردی و اجتماعی گوناگونی همچون امنیت اجتماعی خواهد شد که بدون شک می توان گفت عامل

تحقق آن، پیوند انسان‌هایی است که در راه امنیت و آسایش یکدیگر گام برمی‌دارند. خداوند می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...» (حجرات/۱۰) «در حقیقت مؤمنان با هم برادرند...»

۲،۴،۵. همکاری و همگامی مردم با حکومت

انبیای الهی همه تلاش خود را به کار بردند تا با رفتار عادلانه خویش و نشر عدالت، آن را به عنوان یک رفتار در افراد تثبیت کنند بگونه‌ای که خود افراد جامعه نیز به دنبال اجرای عدالت باشند. آیات فراوانی در قرآن کریم به این موضوع پرداخته است. قرآن کریم در آیه ۲۵ حدید تأکید می‌کند: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» یعنی «تا مردمان همه قسط را به پا دارند و همه به بهره خود در زندگی برسند»؛ (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۶).

از دیدگاه امام علی (ع) حکومت، تنها وسیله‌ای برای اجرای احکام الهی و تحقق عدالت اجتماعی در همه ابعاد آن است تا زمینه برای رشد و کمال و تعالی الهی انسان و جامعه فراهم گردد. در خطبه ۱۳۶ نهج البلاغه آمده است: «أَيُّهَا النَّاسُ أَعْيُنُونِي عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأَنْصِفَنَّ الْمَظْلُومَ مِنْ ظَالِمِهِ وَ لَأُقُودَنَّ الظَّالِمَ بِخِزَامَتِهِ حَتَّى أُوْرِدَهُ مِنْهَلِ الْحَقِّ وَ إِنَّ كَانَ كَارِهَا» «ای مردم برای اصلاح خودتان مرا یاری کنید. به خدا سوگند که داد ستمدیده را از ظالم ستمگر بستانم و مهار ستمگر را بگیرم و به آبشخور حق وارد سازم، گر چه تمایل نداشته باشد.»؛ (شریف رضی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۲۲).

۲،۴،۶. مساوات

در اسلام فرقی میان انسان‌ها نیست. همه افراد به تعبیر پیامبر (ص)، مانند دندان‌های یک شانه مساوی‌اند و هیچ مزیتی بر یکدیگر جز تقوا ندارند. هرگاه عدالت اجتماعی در جامعه محقق شود، فرصت‌های برابر برای مردم ایجاد می‌شود که موجب کسب مهارت‌های گوناگون و رشد قوای عقلانی و زندگی باکیفیت‌تری می‌شود؛ زیرا طبق فرموده قرآن انسان‌ها دارای استعداد‌های مختلفی هستند بنابراین زمینه رشد برای افراد، متفاوت است: « وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ...» (انعام/۱۶۵) «و اوست کسی که شما را در زمین جانشین (یکدیگر) قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید...»

۲،۴،۷. روحیه شجاعت و آزادی در جامعه

در هر جامعه‌ای همواره افرادی عدالت‌گریز هستند و موجب ایجاد مشکلاتی در جامعه می‌شوند برای مقابله با این افراد باید مردم از روحیه‌ای والا توأم با شجاعت و آزادی برخوردار باشند تا مقابل ظالمان بایستند. امام علی (ع) در مذمت مردم کوفه و بیان روحیه ضعیف آنان فرمود: «أَيُّهَا النَّفُوسُ الْمُخْتَلِفَةُ وَ الْقُلُوبُ الْمُتَشَتَّتَةُ الشَّاهِدَةُ أَبْدَانَهُمْ وَ الْعَائِبَةُ عَنْهُمْ عَقُولَهُمْ أَظَارَكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَ أَنْتُمْ تَنْفِرُونَ عَنْهُ نُفُورَ الْمِعْزَى مِنْ وَعْوَعَةِ الْأَسَدِ هَيْهَاتَ أَنْ أُطْلَعَ بِكُمْ سَرَارًا. الْعَدْلُ أَوْ أَقِيمَ أَعْوَجَاجَ الْحَقِّ» «ای مردم رنگارنگ و ای دل‌های پریشان و پراکنده، که بدن‌هایشان حاضر و عقل‌هایشان از آنها غایب و دور است من شما را به سوی حق می‌کشانم، اما چونان بزغاله‌هائی که از غرّش شیر فرار کنند می‌گریزید

هیئات که با شما بتوانم تاریکی را از چهره عدالت بزدایم و کجی‌هایی را که در حق راه یافته است اصلاح نمایم.»
؛(شریف رضی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۱۰).

۲،۴،۸. اقتصاد عادلانه در خدمت سلامت روان و آسایش

خداوند جهان آفرینش را مسخر انسان ساخت تا بتواند با استفاده از مواهب آن هم به حیات خود ادامه دهد و هم زمینه رشد و تعالی خود را در همه زمینه‌ها از جمله حیطه اقتصادی، فراهم سازد. امام موسی کاظم (ع) درباره آثار تربیتی و روان‌شناختی کار و فعالیت اقتصادی می‌فرماید: «الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ عِزُّ الْمُؤْمِنِ فِي دِينِهِ وَ مَرْوَتُهُ فِي نَفْسِهِ وَ شَرَفُهُ فِي دُنْيَاهُ وَ عَظَمَتُهُ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ وَ جَلَالَتُهُ فِي عَشِيرَتِهِ وَ مَهَابَتُهُ عِنْدَ عِيَالِهِ وَ هُوَ أَغْنَى النَّاسِ عِنْدَ نَفْسِهِ وَ عِنْدَ جَمِيعِ النَّاسِ» «از مردم قطع امید کردن و از ثروتشان چشم پوشیدن و به درآمد اشتغال خود قانع بودن، برای مرد با ایمان مایه عزت دینی و روح جوانمردی و شرف دنیوی است. چنین انسانی در نظر مردم بزرگ و بین خویشان خود محترم و در محیط خانوادگی دارای هیبت و عظمت خواهد بود. او در ضمیر خود و در نزد دیگران، بی‌نیازترین و عزیزترین مردم است.»؛(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۱۰۸). امام رضا (ع) کار بیشتر برای رفاه خانواده را توصیه کرده و فرموده اند: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَعْظَمُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» «آن کس که کار بیشتری می‌کند تا درآمدش برای خود و کسانش بسنده باشد، در نزد خدا پاداشی بزرگ تر از پاداش مجاهد فی سبیل الله دارد.»؛(کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۹: ۵۶۷). این سفارشات و تأکیدات دین اسلام درباره کار و تلاش برای معاش، نکته دیگری را بر ما معلوم می‌کند و آن ارزش رزق و روزی حلال است. همچنین می‌توان به موضوع عدالت در اقتصاد اشاره کرد زیرا عدالت در اقتصاد جامعه یکی از مهم‌ترین آثار را بر تربیت دینی جامعه می‌گذارد و از مفاسد فراوانی که در نتیجه فقر بوجود می‌آید، جلوگیری می‌کند. خداوند در قرآن کریم فرمود: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا.» (نساء/۵) «و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام (زندگی) شما قرار داده به سفیهان مدهید (ولی) از (عواید) آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.» علامه طباطبایی (ره) می‌فرماید: در آیه شریفه دلالتی است بر حکم عمومی که متوجه جامعه اسلامی است و آن حکم این است که جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد که این شخصیت واحده مالک تمامی اموال روی زمین است و خدای تعالی زندگی این شخصیت واحده را بوسیله این اموال تأمین کرده و آن را رزق وی ساخته است پس بر این شخصیت لازم است که امر آن مال را اداره نموده در معرض رشد و ترقی قرار دهد و کاری کند که روز به روز زیادتر شود تا به همه و تک تک افراد وافی باشد و به همین منظور باید در ارتزاق با مال حد وسط و اقتصاد را پیش گیرد و آن را از ضایع شدن و فساد حفظ کند؛(طباطبایی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۲۷۱).

عدالت اجتماعی در بخش اقتصادی یعنی اینکه مردم دغدغه حداقل‌های معیشتی را نداشته باشند و بتوانند با کار و تلاش از زندگی آبرومندانه برخوردارباشند. از طرفی وجود فقر در اجتماع و نیازمندی مردمان، نخستین گواه بر وجود

بی‌عدالتی در میان مردم و استیلائی ستم بر جامعه است، پس می‌توان گفت راهی برای اصلاح جامعه جز تحقق بخشیدن به عدل وجود ندارد و به همین گونه اصل حیات و بقایی برای دین و احکام آن جز به عدل وجود پیدا نمی‌کند؛ (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۵۲۲-۵۲۱). امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عَدَلَ بَيْنَهُمْ...» «اگر عدالت در میان مردم به کار افتد، همه بی‌نیاز خواهند شد.»؛ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۵۶۸). بنابراین می‌توان گفت: اگر عدل در اجتماعی عملاً جریان پیدا کند، مردم آن اجتماع بی‌نیاز می‌شوند. پس بی‌نیازی مردم و از بیخ بر کندن ریشه‌های ناداری و ناکامی، دلیلی بر وجود عدل است و نبودن آن دلیلی بر وجود ظلم؛ بنابراین با اجرای عدالت فقیری در میان مردم دیده نخواهد شد و هزینه‌مندی بدون هزینه نخواهد ماند؛ (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۶: ۵۲۲-۵۲۱). بنابراین حکومت دینی با فراهم آوردن زمینه عدالت گسترده و با سامان دادن به معیشت افراد، رشد و کمال حقیقی انسان را در امور مادی و معنوی تضمین می‌کند.

۳. نتیجه‌گیری

یکی از نیازهای اساسی انسان در زندگی اجتماعی، زندگی کردن در محیطی عادلانه و جامعه‌ای است که هم مردم و هم مسئولان برای اجرای عدالت با هم تعامل سازنده‌ای داشته باشند و در سایه عدالت، آسایش و آرامش همگان تضمین شود. عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی سبب می‌شود تا آحاد جامعه بتوانند زیر سایه تعالیم و قوانین ارزشمند نظام تربیتی عادلانه اسلام، رشد کنند. از آنجا که نظام تربیتی اسلام، از وحی الهی سرچشمه می‌گیرد و خداوند از تمام نیازهای مادی و روحی انسان آگاه است، بنابراین در این نظام تربیتی هم جنبه فردی شخصیت و هم بعد اجتماعی حیات انسانی مورد توجه است. همچنین نیازهای معنوی، اجتماعی، عقلانی و عواطف انسان مورد توجه است. نظام تربیتی اسلام در صورتی که در جامعه تحقق یابد، در نهایت جامعه را به سمتی می‌برد که رشد و بالندگی افراد براساس استعداد و استحقاق آنها میسر می‌شود.

تحقق عدالت اجتماعی آثار و برکات زیادی دارد از جمله سبب می‌شود که فطرت خداجوی انسان بیدار گردد و به فضائل اخلاقی آراسته گردد و به سوی رشد و کمال حرکت کند. در چنین جامعه‌ای رفتارهایی مبنی بر تعهد و انسانیت و برادری در تعاملات اجتماعی حاکم خواهد بود. هیچکس خود را برتر از دیگران نمی‌داند و برای خود حق ویژه‌ای طلب نخواهد کرد و اگر چنانچه فرد عدالت‌گریزی بخواهد مشکلاتی در جامعه ایجاد کند، مردم با روحیه‌ای توأم با شجاعت و آزادگی مقابل او خواهند ایستاد.

عدالت اجتماعی در اقتصاد جامعه نیز تأثیر دارد و با از بین بردن فقر و ایجاد رفاه نسبی برای همگان، از مفسد فراوانی که در نتیجه فقر بوجود می‌آید، جلوگیری می‌کند و سرانجام می‌توان گفت که بزرگ‌ترین اثر تحقق عدالت که در واقع هدف نهایی نظام تربیتی اسلام است، وصول به مقام قرب الهی است که در پرتو ایمان و تقوا حاصل می‌شود.

منابع

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی (۱۴۱۳ ق)، *من لا یحضره الفقیه*، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۴ جلد.
- افلاطون (۱۳۵۳)، *جمهوری*، تهران، چاپخانه خوشه، چاپ اول.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶)، *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، محقق / مصحح درایتی، مصطفی، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، نوبت چاپ اول، ۱ جلد.
- حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳/۱۴۰۴ ق)، *تحف العقول*، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱ جلد.
- حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی (۱۳۸۰)، *الحیاء*، مترجم آرام، احمد، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۶ جلد.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۳)، *سیره نبوی "منطق عملی" دفتر دوم سیره اجتماعی*، تهران، انتشارات دریا، چاپ پنجم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ ش)، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: خسروی، غلامرضا، تهران، ناشر مرتضوی، چاپ دوم، ۴ جلد.
- شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ ه.ش)، *تفسیر اثنی عشری*، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۴ جلد.
- شریعتمداری، علی (۱۳۹۴)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و ششم.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۵)، *نهج البلاغه*، مترجم آشتیانی، محمدرضا، امامی، محمدجعفر، قم، انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (ع)، چاپ دهم، ۳ جلد.
- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۷ ش)، *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، مشهد، استان قدس رضوی، شرکت به نشر، چاپ بیست و دوم.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۳۸۶ ش)، *پژوهش های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع البیان، روح الجنان و منهج الصادقین*، محقق غیاثی کرمانی، محمدرضا، قم، ناشر بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ دوم، ۳ جلد.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۷)، *تفسیر المیزان*، مترجم موسوی همدانی، محمدباقر، قم، انتشارات اسلامی، چاپ دهم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۵)، *ترجمه تفسیر جوامع الجامع*، مترجم عبدالحمیدی، علی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، چاپ اول، ۶ جلد.
-، *ترجمه تفسیر مجمع البیان*، مترجم نوری همدانی، حسین، تهران، انتشارات فراهانی، ۲۷ جلد (بی تا).
-، (۱۳۷۲ ه.ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل الله، ورسولی، هاشم، تهران، ناشر ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۰ جلد.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ ش)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۴ جلد.

- عباس نژاد، محسن (۱۳۸۴ش)، *قرآن، روانشناسی و علوم تربیتی*، مشهد، ناشر بنیاد پژوهشهای قرآنی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱ جلد.
- عبدالباقی، محمدفواد (۱۳۷۴)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
- عرسان کیلانی، ماجد (۱۳۹۰) *فلسفه تربیت اسلامی*، مترجم: رفیعی، بهروز، تهران، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
- کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (۱۳۶۳ش)، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، مصحح شعرانی، ابوالحسن، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق)، *کافی (ط- دار الحدیث)*، محقق / مصحح: دارالحدیث، قم، انتشارات دارالحدیث قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط- الإسلامیة)*، محقق، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران ناشر دار الکتب الإسلامیة چاپ چهارم ۸ جلد.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، مصحح: جمعی از محققان، ناشر: دار إحياء التراث العربی، بیروت، نوبت چاپ: دوم، ۱۱۱ جلد.
- مرزوقی، رحمت الله، اناری نژاد، عباس (بهار و تابستان ۱۳۸۶)، *مقاله تربیت اجتماعی از منظر قرآن، دوفصلنامه علمی- تخصصی تربیت اسلامی*، دوره ۲، شماره ۴، از صفحه ۱۶۳ تا ۱۹۲.
- مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸)، *ترجمه تفسیر کاشف*، مترجم دانش، موسی، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، چاپ اول، ۸ جلد.
- نیکزاد، محمود (۱۳۷۵)، *کلیات فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، انتشارات کیهان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی